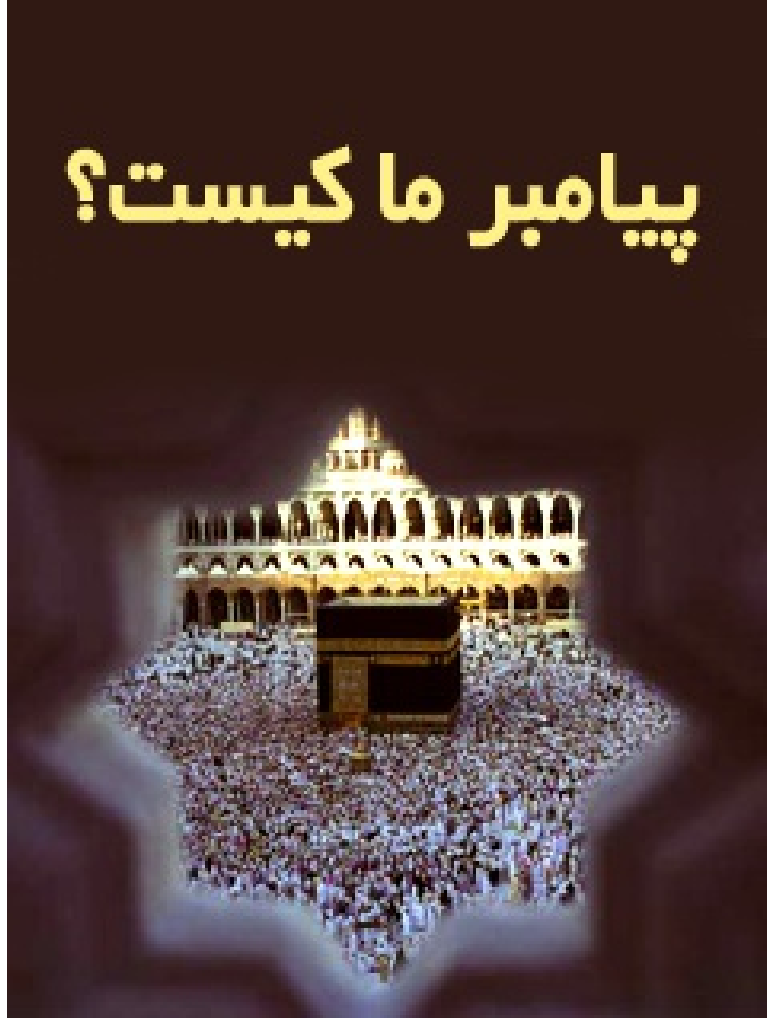


سَلَامٌ عَلَيْهَا  
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال  
www.noorfatemah.org

# پیامبر ما کیست؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پیامبر ما کیست؟

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	پیامبر ما کیست؟
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	اخلاق و سیره پیامبر اکرم
۸	صفات و ویژگیهای پیامبر اکرم
۸	پاورقی

## پیامبر ما کیست؟

## مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران

سرشناسه : انصاریان، حسین

عنوان و نام پدیدآور : پیامبر ما کیست؟/حسین انصاریان

منشأ مقاله : رسالت ، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۵ : ص ۶

توصیفگر : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت، - ۱۱ ق

توصیفگر : سیره نبوی

توصیفگر : فضایل اخلاقی [۱]

## مقدمه

اولین دلیلی که انسان را به انسانیت رساند و مقام خلیفه الهی را نصیبش کرد، عنایت حضرت پروردگار به او بود که اگر این عنایت حضرت رب شامل حالش نمی گردید، هرگز آدم و فرزندانش به محوریت در عالم امکان دست نمی یافتند و اشرفیت بر جمیع مخلوقات را تجربه نمی نمودند. در میان فرزندان آدم و حواریان عالم، یکدانه ای است که اقلیم بالا برایش فرس است و عشق حضرت دوست برایش عرش، فاتح قله (فکان قاب قوسین) و ساکن مقام حبیب الهی، یتیم مدینه محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله وسلم) که عالم امکان و تمام هستی، به طفیل وجودش به موهبت وجود نائل آمدند و در زمره کائنات شدند. محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) کسی است که مقام بندگی [۱] ایمان [۲] عصمت [۳] طهارت [۴] رسالت [۵] حکومت [۶] اولویت [۷] و اول المسلمین و اخلص الموحدین و اخشع العابدین [۸] بودن، و دارا بودن خصائصی چون فضل عظیم [۹] مانع عذاب [۱۰] مؤید به نصر الهی [۱۱] رؤوف و رحیم [۱۲] مسافر معراج [۱۳] رحمه للعالمین [۱۴] اسوه حسنه [۱۵] و خاتم النبیین [۱۶] بودنش، او را چو خورشیدی بی مانند کرده است. محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بهانه رحمت پروردگار بر عالمیان و واسطه فیض قدسی اوست، هر چند که بی خردانی از همان زمان طلوع اسلام و آغاز برآمدن صدای دلنشین دعوتش، قلب رؤفش را به بی ادبی ها و ستیزه های جاهلی رنجه کردند. اما این پیامبر رحمت و این فرستاده مبارک، همواره نوید دهنده رحمت الهی است و بی شک قلب مهربانش، خواسته ای جز هدایت بشریت ندارد. هتاکی امروزه بی خردانی از تبار اعراب جاهلی که در بیچارگی غوطه ورنده و شنیدن صدای دلربای محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) را بر نمی تابند یادآور همان بی مهری های سالهای نخستین تولد اسلام است که روز را در پیش چشمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چون شب ظلمانی می نمود اما همواره دعای خیر او بدرقه راه آنان بود. آنکه امروز محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را نمی شناسد را چه گناهی است؟ هر چند که هتاکی مزدوران شیطان را راه توجیهی نمی توان یافت اما آیا مسلمانان توانسته اند چهره پیامبر عزیز خود را آنچنان که شایسته است به جهانیان بشناسانند؟ آیا خردمندی یافت می شود که او را بشناسد و از صمیم قلب زبان به ستایش او نگوید؟ بی شک آنکه بیش از دشمن دانا مورد نکوهش است، دوست نادان است که چهره ای عبوس از پیامبر رحمت به نمایش می گذارد و یا از معرفی چهره ملکوتی او آنسان که باید، عاجز است. در سال پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) پیگیری این هدف که به جهانیان بگوییم پیامبر ما کیست، از اولویت خاصی برخوردار است. موقعیت های مسلمانان بسیار بیشتر از آن است که تصور می شود و این واقعیت، اقتضای آن را دارد تا هر مسلمانی در راه شناساندن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)، قدمی در خور توان خود بردارد. نوشتار زیر به بیان شمه ای از ویژگیهای حضرت

محمد (صلی الله علیه وآله و سلم) می پردازد که بیان آن میتواند راهکاری برای شناساندن آن جلوه آسمانی باشد.

## اخلاق و سیره پیامبر اکرم

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) کاملترین انسان و بزرگ و سالار تمام پیامبران است. در عظمت آن حضرت همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید او را با تعبیر «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی» مورد خطاب قرار میدهد و او را به عنوان انسانی الگو برای تمام جهانیان معرفی مینماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (در سیره و سخن) پیامبر خدا برای شما الگوی نیکویی است. او به حق دارای اخلاقی کامل و جامع تمام فضایل و کمالات انسانی بود. خدایش او را چنین می ستاید: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» ای پیامبر تو دارای بهترین اخلاق هستی. «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» اگر تندخو و سخت دل می بودی مردم از اطرافت پراکنده می شدند. از این رو، یکی از مهمترین عوامل پیشرفت اسلام، اخلاق نیکو و برخورد متین و ملایم آن حضرت با مردم بود. در طول زندگانی او هرگز دیده نشد وقتش را به بطالت بگذراند. در مقام نیایش همیشه می گفت: «خدا یا از بیکارگی و تنبلی و زبونی به تو پناه می برم.» و مسلمانان را به کار کردن تحریض می نمود. او همیشه جانب عدل و انصاف را رعایت می کرد و در تجارت به دروغ و تدلیس، متوسل نمی شد و هیچ گاه در معامله سختگیری نمی کرد و با کسی مجادله و لجاجت نمی نمود و کار خود را به گردن دیگری نمی انداخت. او صدق گفتار و ادای امانت را قوام زندگی می دانست و می فرمود: این دو در همه تعالیم پیغمبران تأکید و تأیید شده است. در نظر او همه افراد جامعه، موظف به مقاومت در برابر ستمکاران هستند و نباید نقش تماشاگر داشته باشند. می فرمود: برادرت را چه ظالم باشد و چه مظلوم، یاری نما! اصحاب گفتند: معنی یاری کردن مظلوم را دانستیم، ولی ظالم را چگونه یاری کنیم؟ فرمود: دستش را بگیرد تا نتواند به کسی ستم کند! پیامبران سیمایی دوست داشتنی دارند، در رفتارشان صداقت و صمیمیت بیشتر از اُبْهت و قدرت پیداست، از پیشانیان پرتو مرموزی که چشمها را خیره می دارد ساطع است، پرتویی که همچون «لبخند سپیده دم» محسوس است اما همچون راز غیب مجهول. ساده ترین نگاهها آن را به سادگی می بینند اما پیچیده ترین نبوغها به دشواری میتوانند یافت. روحهایی که در برابر زیبایی و معنا و راز حساسند، گرما و روشنایی و رمز شگفت آن را همچون گرمای یک «عشق»، برق یک «امید» و لطیفه پیدا و پنهان زیبایی حس می کنند و آن را در پرتو مرموز سیمایشان، راز پرجذبه نگاهشان و طنین دامن گستر آوایشان، عطر مستی بخش اندیشه شان، راه رفتنشان، نشستنشان، سخنشان، سکوتشان و زندگی کردنشان می بینند، می یابند و لمس می کنند. و به روانی و شگفتی، «الهام» در درونشان جریان می یابد و از آن پُر، سرشار و لبریز می شوند. و این است که هر گاه بر بلندی قلّه تاریخ بر آیم انسانها را همیشه و همه جا در پی این چهره های ساده اما شگفت می بینیم که «عاشقانه چشم به آنان دوخته اند». ابراهیم، نوح، موسی و عیسی، پیامبران بزرگ تاریخ این چنین بوده اند. امّا محمد (صلی الله علیه وآله و سلم) که خاتم الانبیا است چگونه است؟ در برابر کسانی که با وی به مشاجره برمی خاستند وی تنها به خواندن آیاتی از قرآن اکتفا می کرد و یا عقیده خویش را با سبکی ساده و طبیعی بیان می کرد و به جدل نمی پرداخت. زندگی اش، پارسایان و زاهدان را به یاد می آورد. گرسنگی را بر سیری ترجیح میداد گاه خود را چندان گرسنه می داشت که بر شکمش سنگ می بست تا آزار آن را اندکی تخفیف دهد. در برابر کسانی که او را می آزرند چنان گذشت می کرد و بدی را به مهر پاسخ می داد که آنان را شرمنده می ساخت. هر روز، از کنار کوچه ای که می گذشت، یهودی ای طشت خاکستری گرم از بام خانه بر سرش می ریخت و او بی آنکه خشمگین شود، به آرامی رد می شد و گوشه ای می ایستاد و پس از پاک کردن سر و رو و لباسش به راه می افتاد. روز دیگر با آنکه می دانست باز این کار تکرار خواهد شد مسیر خود را عوض نمی کرد. یک روز که از آنجا می گذشت با کمال تعجب از طشت خاکستر خبری نشد! محمد با لبخند بزرگوارانه ای گفت: رفیق ما امروز به سراغ ما نیامد! گفتند: بیمار است. گفت: باید به عیادتش رفت. بیمار در چهره محمد که به عیادتش آمده بود چنان صمیمیت و

محبت صادقانه ای احساس کرد که گویی سالهاست با وی سابقه دیرین دوستی و آشنایی دارد. مرد یهودی در برابر چنین چشمه زلال و جوشانی از صفا و مهربانی و خیر، یکباره احساس کرد که روحش شسته شد و لکه های شوم بدپسندی و آزارپرستی و میل به کجی و خیانت از ضمیرش پاک گردید. چنان متواضع بود که عرب خودخواه و مغرور و متکبر را به اعجاب وامی داشت. زندگی اش، رفتارش و خصوصیات اخلاقی اش محبت، قدرت، خلوص، استقامت و بلندی اندیشه و زیبایی روح را الهام می داد. سادگی رفتارش و نرمخویی و فروتنی اش از صلابت شخصیت و جذب معنویتش نمی کاست. هر دلی در برابرش به خضوع می نشست و هر غروری از شکستن در پای عظمت زیبا و خوب او سیراب می شد. در هر جمعی برتری او بر همه نمایان بود.»

### صفات و ویژگیهای پیامبر اکرم

از آشکارترین صفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) این بود که غرور پیروزی او را نمی گرفت، چنان که در بازگشت از نبرد بدر و فتح مکه نشان داد، و نیز از شکست نا امید نمی شد، همان طور که شکست احد بر وی تأثیر نداشت، بلکه پس از آن به سرعت برای جنگ «حمرء الأسد» آماده شد و نیز نقض پیمان بنی قریظه و پیوستن آنان به سپاه احزاب بر روحیه او تأثیری نگذاشت، بلکه او را ثابت قدم گردانید. از صفات دیگر او احتیاط و پرهیز بود که نیروی دشمن را بدین وسیله ارزیابی کرده، برای مقابله با او به تهیه ابزار و تجهیزات دست می زد. حتی هنگام اقامه نماز نیز احتیاط را از دست نمی داد، بلکه مراقب و هوشیار بود. صفت دیگر او نرمی همراه با صلابت بود که در شرایط متغیر جنگی از آن برخوردار بود و به سبب سرعت تغییر این شرایط، دستورها و احکام جدیدی صادر می کرد. سرعت در فرماندهی نزد او، برای مقابله با مسائل جدی، شرطی اساسی بود و به تمرکز فرماندهی، توجه و تأکید فراوان داشت. با یاران و قوم خود رفتاری مبتنی بر جذب و اصلاح داشت و روح اعتماد و آرامش را در میان آنها تقویت می کرد. به کوچک رحم میکرد، بزرگ را گرامی می داشت، یتیم را خشنود کرده و پناه می داد، به فقیران و مسکینان نیکی و احسان می کرد، حتی به حیوانات هم ترحم می نمود و از آزار آنها نهی می کرد. از مهمترین نمونه های انسانیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) این بود که آن حضرت نیروهایی را که برای سرایا و جنگ با دشمن اعزام می کرد به دوستی و مدارا با مردم و عدم یورش و شیخون علیه ایشان وصیت و سفارش می فرمود. او بیشتر دوست داشت دشمن را به سوی صلح منقاد کند، نه این که مردان ایشان را بکشد. آن حضرت سفارش می کرد تا پیر مردان، کودکان و زنان را نکشند و بدن مقتول را شکنجه و مُثله نکنند. وقتی قریش به او پناه آوردند، محاصره اقتصادی آنان را لغو و با تقاضای ایشان، برای تهیه گندم از یمن، موافقت فرمود. او به صلح کامل در جهان دعوت می کرد و از جنگ، جز به هنگام ضرورت و ناچاری، پرهیز داشت. نامه هایی که به سوی پادشاهان می فرستاد به سلام و صلح، آراسته و مزین بود و آن را برای آغاز کلام در دیدار بین فرزندان آدم قرار داده بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در جنگها بیش از یک فرمانده تعیین می کرد، ضوابطی دقیق برای فرماندهی لشکر و تقویت آن قرار می داد و بین اصول سیاسی و نظامی ارتباط برقرار می ساخت و اطاعت از فرماندهان را رمزی برای انضباط، انقیاد و فرمانبرداری می دانست. او برنامه ریزی جدی، سازماندهی نمونه و فرماندهی برتر را بنیاد گذاشت، و فرماندهی لشکر را بر اساس شایستگی و شناخت برگزید. لشکر را به طور یکسان در فرماندهی خود جمع کرد، و از آنچه که در وسع و توانایی رزمندگان بود بیشتر به آنان می بخشید.

### پاورقی

[۱] بقره: ۲۳.

[۲] بقره: ۲۸۵.

[۳] اسراء: ۷۴.



- 
- [۴] احزاب: ۳۳.
- [۵] آل عمران: ۱۶۴.
- [۶] نساء: ۶۵.
- [۷] احزاب: ۶.
- [۸] انعام: ۱۶۱-۱۶۳.
- [۹] نساء: ۱۱۳.]
- [۱۰] انفال: ۳۳.
- [۱۱] توبه: ۴۰.
- [۱۲] توبه: ۱۲۸.
- [۱۳] اسراء: ۱.
- [۱۴] انبياء: ۱۰۷.
- [۱۵] احزاب: ۲۱.
- [۱۶] احزاب: ۴۰.